

## حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)

اسداله نقدی\*، رسول صادقی\*\*

**طرح مسئله:** جهان به سرعت در حال گسترش زندگی شهری است. سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان، مسائل و معضلات بسیاری برای شهرهای ایران به دنبال داشته است. در این میان، حاشیه‌نشینی به‌عنوان آیینی تمام‌نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات اجتماعی دارد.

**روش:** این مقاله، به بررسی حاشیه‌نشینی به‌عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری پرداخته و در این ارتباط علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه‌نشینی در شهر همدان با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق با استفاده از تکنیکهای مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه محقق ساخته در مناطق حاشیه شهر همدان داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گردیده است.

**یافته‌ها و نتایج:** براساس یافته‌های این مطالعه بخش عمده اسکان غیررسمی شهر همدان ناشی از مهاجرت‌های روستا - شهری است. حاشیه‌نشینان از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی شهر یا محله مهم‌ترین اولویت آنان برای بهبود وضعیتشان محسوب می‌گردد.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، حاشیه‌نشینی، شهرنشینی، مسائل اجتماعی، مهاجرت

تاریخ پذیرش: ۱۳/۲/۸۵

تاریخ دریافت: ۱۰/۱۲/۸۴

\* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان <naghdi219@yahoo.com>

\*\* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

## مقدمه

امروزه در جهان، توسعه‌خواهی تبدیل به جنبشی فراگیر و جهانی شده است، اغلب دولتها و همه ملت‌ها خواهان توسعه هستند، اما مراد از توسعه در این میان بسیار متفاوت است. از گذران امور روزمره گرفته تا فراغت، از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این مقوله می‌گنجد. در یک تعریف کلی و ناظر به توسعه برنامه‌ریزی شده، تمام تلاش‌های صورت گرفته برای «حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب»، مصداق توسعه است. هر چند ایده توسعه به معنای بهبود وضع و شرایط زندگی فردی یا جمعی همواره و در طی تاریخ مورد توجه بشر بوده است، معنای جدید و برنامه‌ریزی شده آن مربوط به دوران معاصر یعنی پس از پایان جنگ جهانی دوم می‌باشد که نظریه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شد. ابتدا تر رشد اقتصادی به‌عنوان یک ایده‌آل مطرح شد و کشورهای کمتر رشد یافته (به‌قول برخی از نظریه‌پردازان، عقب‌نگه داشته شده)، الگوی رشد کشورهای فاتح و پیروز در جنگ را کعبه آمال خویش ساختند.

بدین‌سان ادبیات نوسازی چند دهه در برنامه‌های توسعه ملل مختلف سلطه بلامنازع پیدا کرد. در این مدت صاحب‌نظران توسعه به‌هنگام مشاهده نتایج حاصل از اجرای این پروژه به این نتیجه رسیدند که توصیه‌های توسعه‌ای منجر به عوارض و پیامدهایی از قبیل عدم به کاهش‌پذیری فقر، عدم برابری در فرصت‌های آموزشی؛ ماندگاری بحران گرسنگی و فقدان امنیت غذایی گرسنگان؛ تخریب وحشتناک منابع طبیعی؛ عدم برقراری دموکراسی در بسیاری از ممالک و بیش‌نپاییدن آن در کشورها؛ افزایش تنش‌های بین‌المللی و نقاط بحرانی؛ عدم تحول چشمگیر مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و سیاسی و خلاصه آنکه اهداف توسعه در کشورهایی از این دست نه تنها محقق نشد بلکه در حوزه‌های زیست محیطی منجر به تخریب جنگل‌ها و مراتع شد (این تخریبها به ثانیه محاسبه گردید) و آلودگی شهرها شد و شمار زیادی از مردمان جهان دچار سوء‌تغذیه و بیماری‌های واگیر و ... شدند و هر روز بر تعداد افراد ساکن در نقاط حاشیه و زاغه افزوده شد.

براساس برآوردهای سازمانهای بین‌المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها و حاشیه‌های شهری یا به‌صورت اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند. با توجه به این نکته که اکنون در آغاز قرن بیست و یکم حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، شهرنشینی بستر انواع تضادها و تعارضهای اجتماعی در هر کشوری است و به تعبیری شهر در هر کشوری به محل تمرکز ثروت و انباشت فقر تبدیل شده است.

## (۱) چارچوب نظری

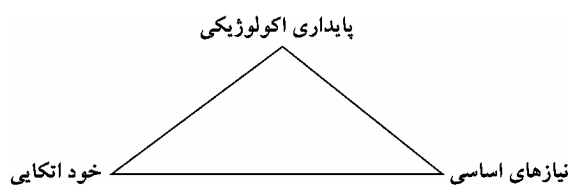
مجموعه دستاوردهای فوق، متفکران و صاحب‌نظران توسعه را برآن داشت تا در برداشتهای قبلی خود تجدیدنظر کنند. در برداشتهای جدید، توسعه با شاخص رشد یا حتی کاهش نسبی فقر تعریف نمی‌شد و مراد از آن الگویی جامع و همه‌جانبه بود که به آن توسعه پایدار<sup>۱</sup> می‌گفتند. این نگرش در دهه ۱۹۷۰ با اعلامیه کوکویک<sup>۲</sup> مطرح شد که در آن به رابطه بین محیط و توسعه پرداخته شد. این اصطلاح به منظور تحلیل و بررسی روابط بین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و منابع طبیعی و محیط زیست بشر، به‌عنوان پایه و اساس هرگونه توسعه، مورد توجه قرار گرفت.

توسعه پایدار به معنای آن است که آموزه‌هایی دربارهٔ اکولوژی می‌تواند و باید در روندهای اقتصادی به‌کار گرفته شود که شامل ایده‌های استراتژی حفاظت محیط جهانی و ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت (همه) جنبه‌های حیات مورد چالش و آزمایش قرار می‌گیرد (رادکلیفت، ۱۳۷۳:۴۳).  
منظور از توسعه پایدار، حفاظت صرف از محیط زیست در نظر نیست، بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان و نه تعداد اندکی از افراد برگزیده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲:۵۹).

1. Sustainable Development

2. Cocoyoc

در این رهیافت جدید از توسعه، نوع استفاده از منابع طبیعی (حتی در سطح بین‌المللی)، موضوع محیط زیست و توسعه اکولوژیکی، توسعه اکوسیستم اجتماعی همراه با تأمین نیازهای اساسی استراتژی جهانی حفاظت، مورد توجه می‌باشد. مایکل راد کلیفت (۱۳۷۳) سه ضلع مثلث آن را به صورت زیر نمایش می‌دهد:



به طور خلاصه فرایند توسعه و رهیافتهای نظری آن را می‌توان به صورت نمودار زیر مرحله‌بندی کرد:



فرایند تطور نظریات و رهیافتهای توسعه نشان می‌دهد که هر چه به زمان حاضر نزدیک می‌شویم دو تغییر عمده در برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود: الف) از «یک‌سونگری» به «همه‌جانبه‌نگری» سوق پیدا می‌کند.

ب) از جنبه‌های فنی کاسته شده و بر جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و انسانی افزوده می‌شود. توسعه پایدار و توسعه انسانی نه فقط جنبه‌های اقتصادی بلکه جنبه‌های زیست‌محیطی و مهم‌تر از آن وجوه اجتماعی، سیاسی و آموزشی و نیز روابط متقابل عوامل مذکور را در نظر می‌گیرد. از جمله جنبه‌های مهم تأمین حداقل نیازها برای اجرای توسعه پایدار، موارد زیر است:

- حذف فقر؛
- کاهش رشد جمعیت؛
- توزیع منطقی منابع؛
- داشتن مردمی سالم‌تر و آموزش دیده‌تر و تعلیم‌یافته‌تر؛
- تمرکززدایی؛
- برقراری سیستم‌های آزاد تجاری؛
- تفهیم بهتر تفاوت اکوسیستم.

در رهیافت توسعه پایدار، «استراتژی توسعه درونزای شهری» مورد توجه قرار گرفته است. پوراحمد و شمعی (۱۳۸۰) مهم‌ترین موارد قابل تأکید در این استراتژی را به صورت زیر مطرح کرده‌اند:

۱. توزیع و تراکم متعادل جمعیت در شهر به کمک توزیع متعادل خدمات و تأسیسات زیربنایی از جمله حمل و نقل عمومی، امکانات مطلوب بهداشتی و امکانات تعلیم و تربیت در تمام بخشهای شهر؛
۲. توسعه متعادل عناصر شهری و همپوندی آنها و تأمین شرایط مسکن مناسب، ضمن حفظ هویت فرهنگی شهر برای همه شهروندان با بهره‌گیری از الگوها و روشهای بومی و مصالح بومی و تلفیق آنها با مصالح و الگوهای جدید؛
۳. توسعه و ساماندهی نظام سلسله‌مراتبی شبکه راهها و ارتباطات شهری از درون و مرکز شهر به اطراف آن؛
۴. فراهم آوردن امکانات فعالیت و اشتغال در تمام بخشهای شهری که از مهم‌ترین عوامل جابجاییهای جمعیتی است، برای تعدیل بسیاری از نابسامانیهای شهری.

بنابراین مدیریت توسعه پایدار، بایستی چندوجهی و جامع‌نگر باشد. برای توسعه این نهادهای مدنی و عملکرد هر چه بهتر آنهاست که امروزه «مدیریت توسعه» در کانون توجه جهانیان قرار گرفته است، سرشت چندساحتی مدیریت توسعه و کنش متقابل آن با نهادهای مدنی را مورد تحلیل و تشریح قرار می‌دهد که تنها در صورتی این مدیریت در نواحی شهری می‌تواند موفق باشد که به صورت پایدار، موزون و همه جانبه به اجرا درآید (حریری اکبری، ۱۳۸۳: ۴۲).

## ۲) روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه از نوع پیمایش است که با استفاده از روشهای نمونه‌گیری با ۵۲۵ نفر سرپرست خانوار در مناطق حاشیه‌نشین همدان مصاحبه به عمل آمد. علاوه بر این، از تکنیکهای کیفی نظیر مصاحبه آزاد و عمیق با شهرداران مناطق مختلف همدان، مشاهده و مصاحبه میدانی با حاشیه‌نشینان و مسئولان محلی مانند مدیران مدارس، مسئولان نیروی انتظامی (پاسگاه مریانج) و مراکز بهداشتی (دیزج) و شهرداران منطقه‌های ۲ و ۳ شهر همدان استفاده شده است.

## ۳) یافته‌ها

### ۳-۱) حاشیه‌نشینی به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری

امروزه پدیده شهری کره زمین را تسخیر کرده است. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۳) توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است.

«حاشیه‌نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به

زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند.

اما وجه درونی حاشیه‌نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس وضعیت حاشیه‌نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می‌دارد، شرایط یا عالمی است برزخ‌گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزشهای فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزشهای دیگری هنوز به‌طور کامل جایگزین آنها نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگها، حالت کناره‌گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزشها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند» (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴).

حاشیه‌نشینی یکی از پاشنه آشیل‌های توسعه پایدار شهری تلقی می‌شود، براساس مصوبات برنامه توسعه هزاره سازمان ملل بایستی تا سال ۲۰۱۵ میلادی دست‌کم ۱۰۰ میلیون زاغه‌نشین از امکانات بهداشت، مسکن و فرصتهای نوین آموزش برخوردار شوند. در ایران میزان شهرنشینی از حدود یک پنجم کل جمعیت کشور در هشتاد سال پیش، اکنون به بیش از دو سوم و رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ شمسی از حدود ۵/۹ میلیون نفر به بیش از ۳۶ میلیون نفر رسیده است. بدون شک شهرنشینی تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. بشر علاقه عجیبی به تمرکز و استقرار در واحدهای سکونتی بزرگ دارد، به گونه‌ای که پیش‌بینی شده است، تعداد زیادی از شهرنشینان در آینده ساکن شهرهای با بیش از هشت میلیون نفر جمعیت یا «ابرها» خواهند بود. تعداد سکنه نقاط شهری در آغاز قرن بیستم چیزی کمتر از بیست درصد جمعیت دنیا را شامل می‌شد که اکنون به حدود نیمی از ساکنان جهان بالغ شده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲).

از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی است که بنا به مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. این‌گونه سکونتگاهها هرچند جلوه‌ای از فقر را نمایان می‌سازد، بازتاب کاستیها و نارساییهای سیاستهای دولت و بازار رسمی نیز محسوب می‌شود.

اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به‌گونه‌ای که نیاز جدی به اتخاذ تدابیر ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار بگیرد.

کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان بهتر و دسترسی به انواع خدمات اجتماعی و اقتصادی اساسی بیشتر است و همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستاییان به سکونت در شهر می‌باشد، زیرا هجوم روستاییان به شهر - به‌ویژه کلان شهرها - برای دستیابی به همین امکانات و برخورداریها رخ می‌دهد و تا زمانی که این فاصله وجود داشته باشد باید منتظر موجهای مهاجرت از روستاها به نقاط شهری بود. جاذبه‌های شهری در مقابل دافعه‌های روستایی، موجب تشدید روند مهاجرت روستا - شهری در ایران و در نتیجه شکل‌گیری مناطق حاشیه و اسکان غیررسمی شده است.

بنابراین شهر و شهرنشینی در ایران با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی‌مسکنی و بدمسکنی؛ معضل حاشیه‌نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونتگاههای غیررسمی؛ چالشهای زیست‌محیطی؛ عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی؛ معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن؛ مشکلات ترافیکی و آمد و شد؛ گسترش آسیبها و انحرافات اجتماعی؛ گسترش آسیبهای روانی و شخصیتی؛ مشکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان؛ مسئله تأمین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان؛ انواع نارضایتیهای جمعی و ظهور پدیده‌وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲).



اکثر حاشیه‌نشینان، مهاجران روستایی هستند که با کوله‌باری از فقر و محنت و به قصد دستیابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده‌اند و تخصص آنها که بیشتر در زمینه کشاورزی سستی بوده، اینک در مشاغل سیاه و کاذب و فعالیتهای ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخشهای غیرمولد به کار افتاده است.

عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، کامروایی معوق و ... از ویژگیهای عمده شخصیتی حاشیه‌نشینان است. حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، اگر چه خانه او در شهر است و لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می برد. اگر حاشیه رانده‌شدگی کامل شود ما با بحران شهری روبه‌رو می‌شویم و به نظر می‌رسد که بررسی آن از منظر جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی خارج و در حوزه جامعه‌شناسی بحران قرار گیرد.

## ۳-۲) حاشیه‌نشینی، چالشها و مسائل آن در شهر همدان

شهر همدان نیز به نحو گسترده‌ای با این معضل مواجه است، مناطق حاشیه‌ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در برگرفته و رشد قارچ‌گونه این مناطق همچنان ادامه یافته، به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دستخوش ناهمگونی ناهنجاریهای شدید کرده است.

زندگی حاشیه‌ای از یک سو می‌تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به‌شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد. با توجه به اهمیت موضوع، در اینجا به بررسی ابعاد مسئله آفرین آن در شهر همدان پرداخته می‌شود:

### ۳-۲-۱) بافت چند قومیتی

مناطق حاشیه‌نشین همدان دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می‌باشد و همین وضع موجب تنشها و تعارضها و حتی نزاعهای پراکنده قومی در این مناطق شده است. براساس نتایج بررسی، ۵۷ درصد پاسخگویان ترک، ۲۱ درصد فارس، ۲۰ درصد کرد و ۲ درصد لر بوده‌اند.

### ۳-۲-۲) مسائل جمعیتی

از جمله مسائل جمعیتی شهر همدان، بالا بودن نرخ رشد جمعیت به دلیل مهاجرت‌های روستا - شهری و اسکان آن در مناطق حاشیه شهر می‌باشد. به طوری که جمعیت شهر همدان در فاصله سالهای ۱۳۵۵-۷۵، ۲/۵ برابر شده یعنی از ۱۶۵۷۸۵ نفر به ۴۰۱۲۸۱ نفر رسیده است؛ به عبارتی در این مدت نرخ رشد جمعیت سالیانه حدود ۴/۵ درصد افزایش داشته است. حدود ۳۰ درصد جمعیت شهر همدان در مناطق حاشیه‌نشین استقرار یافته و این نسبت با توجه به مهاجرت‌های روستایی و بالا بودن سطح باروری این مناطق در حال افزایش است. یکی دیگر از مسائل جمعیتی شهر همدان، بالا بودن میزان باروری در میان ساکنان مناطق حاشیه‌نشین است. براساس نتایج بررسی، میانگین باروری (فرزندزایی) ساکنان این مناطق ۴/۰۸ فرزند بوده است. همچنین حدود ۴۰ درصد نیز تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده آنها تا زمان بررسی، ۵ بچه و بیشتر می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت: هنوز ساکنان این مناطق الگوی باروری روستایی خود را حفظ کرده‌اند و سطح باروری بالایی را تجربه می‌کنند.

### ۳-۲-۳) مسئله مسکن و تسهیلات آن

رشد روزافزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی و روابط انسانها به وجود آورده است. یکی از عمده‌ترین این مشکلات، مسئله مسکن می‌باشد. (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱) سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنانش را فراهم می‌کند ناشی از وضع اقتصادی صاحبان آنها می‌باشد. به همین دلیل، نامتعارف‌ترین و غیر استانداردترین خانه‌ها در مناطق شهری، متعلق به حاشیه‌نشینهاست. براساس نتایج بررسی، تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، تعداد اندک اتاق، برپایی خانه‌های یک شبه‌ساز و ساخت و سازهای غیرمجاز مسکن با مصالح کم دوام و غیراستاندارد، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از حداقل تسهیلات و ضروریات زندگی (در منطقه حاشیه‌نشین دیزج حدود ۴۰ درصد ساکنان به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته‌اند) و تحمیل هزینه‌های مسکن بر بخشی از ساکنان محروم این مناطق از ابعاد مسئله آفرین پدیده مسکن در مناطق حاشیه‌نشین همدان می‌باشد.

#### ۳-۲-۴) مسائل اقتصادی

بررسی ساختار شغلی مردان در مناطق حاشیه‌نشین همدان نشان می‌دهد که کارگری شغل اکثر آنهاست (۳۱/۲ درصد) و در فصلهای مختلف سال برحسب تقاضا به کارگران ساختمانی و کشاورزی تبدیل می‌شوند. پس از کارهای کارگری، مشاغل آزاد، رانندگی، مغازه‌داری و ... از جمله مشاغل مردان در مناطق حاشیه‌نشین شهر می‌باشد. از این‌رو، اکثر حاشیه‌نشینان شهر همدان دارای شغل‌های خدماتی و ساختمانی (کارگری) می‌باشند و به مشاغل نظیر عملگری، کارگری ساده، رفتگری و دست‌فروشی می‌پردازند، مشاغل کاذب و غیرتولیدی نظیر کوپن‌فروشی و سیگارفروشی در میادین و چهارراهها، دستفروشی، دلالی و ... از دیگر مشاغل حاشیه‌نشینان است. در کنار این مشاغل، یکی از مشاغل پرطرفدار در این مناطق، ایجاد مغازه‌های بقالی در کنار خانه‌هاست. به‌طوری‌که، وجود این مغازه‌های تا حدودی غیربهداشتی در این مناطق، بیش از هر نقطه دیگر به چشم می‌خورد و نگاه مشاهده‌گر را به خود جلب می‌کند. گاهی نیز در برخی مناطق حاشیه‌ای شهر حتی افراد برای گذراندن زندگی به نگه داشتن حیواناتی نظیر گوسفند و انواع طیور مبادرت می‌ورزند و یا در کاروانسراهای مخصوص نگهداری گوسفند (از جمله در منطقه کشتارگاه) به فعالیت مشغول هستند.

به‌طور کلی با توجه به ساختار شغلی مناطق حاشیه‌نشین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال غیرقانونی، کاذب، ناسالم، سیاه و زیرزمینی در میان ساکنان حاشیه‌نشین غلبه دارد، ساکنان این سکونتگاهها، اغلب فاقد تحصیلات یا توانمندی حرفه‌ای و مهارت شغلی لازم برای کسب فرصت‌های شغلی بهتر هستند و چنین پیشینه‌ای مانع از اشتغال آنان در شهر می‌شود. از این‌رو، معمولاً حاشیه‌نشینی، در بطن خود نوعی حاشیه‌نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به‌دنبال دارد.

در این مناطق مسئله بیکاری به اعتقاد ساکنان به‌وفور دیده می‌شود (۸۵ درصد معتقدند که بیکاری در این مناطق زیاد است). براساس نتایجی که از بررسیها به‌دست آمده، ۵۸/۲ درصد از افراد شاغل اعلام داشته‌اند که در یک ماه قبل از بررسی (یعنی در خردادماه) بیکاری بوده‌اند و مدت بیکاری آنها بین ۲ تا ۳۰ روز نوسان داشته است و به‌طور متوسط مدت بیکاری آنها در یک ماه گذشته ۱۹ روز بوده است؛ به‌عبارتی تقریباً دوسوم ماه قبل از بررسی را بی‌کار بوده‌اند. از این‌رو، یکی از بزرگترین مشکلات و مسائل حاشیه‌نشینان

همدان، بی‌کاری و نبود فرصتهای شغلی است. این پدیده که خود ناشی از عملکرد ساختار اقتصادی در وجه ملی است، با توجه به نداشتن تخصص و پایین بودن سطح تحصیلات افراد جویای کار، همواره در این مناطق تشدید می‌شود و خود به عامل ایجادکننده انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی در این مناطق مبدل شده است.

بررسی درآمد ماهیانه خانوار نشان می‌دهد که سه چهارم خانوارهای مورد بررسی، به رغم پرجمعیتی‌شان، درآمدی زیر ۱۵۰ هزار تومان در ماه دارند. با توجه به ملاک خط فقر شهری، بیش از ۸۰ درصد خانوارهای مورد بررسی در مناطق حاشیه‌نشین همدان زیر خط فقر قرار دارند. علاوه بر این، بیش از چهارپنجم ساکنان نیز معتقدند که فقر در این مناطق زیاد است. ۵۶ درصد پاسخگویان بیان داشته‌اند که دارای مشکلات مالی می‌باشند و عمده‌ترین مشکل مالی آنها، بی‌پولی و نداشتن درآمد برای تأمین معاش خانواده بوده است. ۴۴ درصد خانوارهای مورد بررسی، وضعیت مالی و اقتصادی خود را بسیار بد و بحرانی اعلام کرده‌اند. از این‌رو، حاشیه را می‌توان به‌عنوان آئینه تمام‌نمای فقر شهری در نظر گرفت.

#### ۳-۲-۵) نارضایتی اجتماعی

یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که میزان رضایت از خدمات‌رسانی شهرداری در این محله‌ها، بسیار پایین است. همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد، حدود ۶۰ درصد پاسخگویان از خدمات‌رسانی شهرداری به این محلات اصلاً راضی نیستند یا خیلی کم راضی هستند.

علاوه بر این، حدود ۳۶ درصد از پاسخگویان از زندگی در شهر همدان و ۴۳ درصد از زندگی در محله خود احساس نارضایتی می‌کرده‌اند که از این میان، حدود ۲۴ درصد به بد بودن محله و محیط نامناسب آن؛ ۱۶ درصد به کمبود امکانات در محله؛ ۹ درصد به بی‌کاری زیاد و وجود افراد ولگرد در محله؛ ۷/۶ درصد به نبود امنیت در محله؛ ۷ درصد به فرهنگ پایین مردم محله؛ ۷ درصد به شلوغی و تراکم جمعیتی زیاد در محله؛ ۴/۲ درصد به انگ و برچسب خوردن پایین شهر بودن و ... اشاره کرده‌اند.

اصولاً محله‌های حاشیه‌نشین، به صورت خودرو در زمینهای بدون برنامه شکل می‌گیرد. به همین دلیل این محله‌ها معمولاً فاقد تأسیسات زیربنایی بوده و شهرداریها و مسئولان شهر، خود را موظف به تأمین تأسیسات آنجا نمی‌دانند (تا زمانی که ساکنان این مناطق به نیروی اجتماعی و سیاسی تبدیل گردند). از طرف دیگر، به علت پراکندگی و گاه دور بودن این اماکن از بافت اصلی، حتی در صورت تمایل مسئولان، تأمین تأسیسات زیربنایی گران و مشکل است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه محلات حاشیه‌نشین خود را جزئی از شهر می‌دانند، لذا خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از آنجا که میزان خدمات‌رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات‌رسانی به این محلات، احساس نارضایتی داشته، خواستار خدمات‌رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند.

#### ۶-۲-۳) مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، میزان مشارکت اجتماعی در قالب سازمان‌یافتگی و تشکلهای مدرن در میان ساکنان مناطق حاشیه‌نشین بسیار ضعیف بوده و عمدتاً مشارکت آنها به صورت اشکال اولیه، سستی، گهگاهی، نامستمر و ناپیوسته بوده است؛ یعنی از طریق روابط مبتنی بر تبار و طایفه و خویشاوندی عمل می‌کنند. به این معنی که گروههای مشارکت‌کننده، یا گروههای قومی اند یا کسانی که مجاورت مکانی دارند و همسایه‌اند.

نکته حائز اهمیت دیگر در زمینه مسائل حاشیه‌نشینی غیر از حاشیه‌نشینی اقتصادی این افراد، بحث حاشیه‌نشینی اجتماعی و سیاسی آنها نیز مطرح است که نشان‌دهنده عدم تمایل آنها به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است. زیرا این افراد نمی‌توانند در نهادهای شهری یا در سازمانهای رسمی و نهادی غیردولتی (NGO) حضور یابند و مشارکت داشته باشند و همین امر موجب می‌شود که به رغم اینکه طبقات پایین، بیشترین مشکلات شهری را دارند، اما به دلیل عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن)، مجال آن را نمی‌یابند، تا از راههای قانونی به تعریف و برجسته‌سازی مسائل خود بپردازند.

به دلیل بالا بودن نرخ بی‌سوادی در میان مهاجران و پایین بودن سطح سواد، اینان از مهارت حرفه‌ای اندکی برخوردارند و تعلق آنان به فرهنگ روستایی مانع از مشارکت در فضای زندگی شهری می‌شود؛ به بیان دیگر، چیزی ندارند که به شهر عرضه کنند. همچنین

رویکردهای نظری با توجه به مفهوم «دوگانگی روستا- شهری»، به این صورت تأکید دارند که پیشینه و آداب و رسوم روستایی مهاجران، موجب انزوای آنان در شهر می‌شود و مشارکت را در حیات اجتماعی - اقتصادی شهر غیرممکن می‌سازد» (جوهری‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۴). همچنین، نارضایتی از زندگی در محله و وضعیت نامطلوب اقتصادی آنها از عوامل مؤثر بر مشارکت پایین در این مناطق است.

حاشیه‌نشینان در نظام اجتماعی شهر به‌طور کامل ادغام نشده‌اند و از این‌رو، به‌عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند؛ یا لاقلاً خود چنین احساسی دارند، همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگیهای حاشیه‌نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارت‌های شغلی، مانع مشارکت توسعه‌ای مردم این مناطق می‌شود.

یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که حدود یک چهارم از پاسخگویان هیچ‌گونه احساس تعلق شهروندی نداشته‌اند. حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، هرچند خانه او به لحاظ فیزیکی در شهر است. به همین دلیل، احساس تعلق شهروندی اندکی نسبت به شهر دارند. همچنین، این احساس که بین آنها و شهروندان حاضر در متن نظام شهری، یعنی کسانی که در طبقه بالای اجتماعی قرار دارند، تبعیض وجود دارد، باعث گسترش روحیه عدم تعلق شهروندی می‌شود.

### ۷-۲-۳) آسیبهای اجتماعی

به‌رغم آسیب‌شناسان اجتماعی، همه صور و انواع نابهنجاریها و نزندهای اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف (کجروی) و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاریهای اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است و در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیشتری می‌یابد.

بررسی آسیبهای اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، نشان می‌دهد که به‌عنوان ساکنان این محلات، فقر و بی‌کاری، اعتیاد و فروش مواد مخدر، ولگردی، دعوا و درگیری بسیار زیاد است. از این‌رو، می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی، نمودی از آسیبها و انحرافات اجتماعی است.

اعتیاد و فروش مواد مخدر یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی وخیم و بحرانی در مناطق حاشیه‌نشین است. به طوری که به‌رغم بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان، اعتیاد و فروش مواد مخدر در این مناطق زیاد است. همچنین با مشاهده میدانی در این مناطق می‌توان فهمید که چهره بسیاری از ساکنان این مناطق به‌ویژه جوانان، به اعتیاد آلوده است. در این مناطق همه می‌دانند که محل‌های توزیع و مصرف (تزریق) مواد مخدر کجاست و یا چه کسانی آن را توزیع می‌کنند. اکثر مادران و خواهران، دل‌نگران اعتیاد فرزندان و برادران خود و آنان که فرزندان کوچکتر دارند، بیمناک آینده آنها هستند. در نوشته‌های دیوار حصار مطهری و در محله دیزج، عبارت «ای قاچاقچی کثیف دست از این کار کثیف بردار، مرگ بر قاچاقچی» دیده می‌شود.

همچنین دعوا و درگیری جوانان و ولگردی و بزهکاری، یکی دیگر از جلوه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی این مناطق است. به طوری که بیش از نیمی از پاسخگویان گفته‌اند که ولگردی در این مناطق زیاد است و حدود یک چهارم هم معتقدند که دعوا و درگیری در این مناطق بسیار رخ می‌دهد. از این رو، ولگردی، خشونت و تنش‌گرایی جوانان از جلوه‌های بارز آسیب‌شناسی مناطق حاشیه‌نشین است. علاوه بر اینها، در مراتب بعدی در این مناطق، الکلیسم، فساد و فحشا (خودفروشی)، دزدی و سرقت نیز به زعم ساکنان وجود دارد.

همچنین وندالیسم در مناطق حاشیه‌نشین شهر عمدتاً به صورت شکستن چراغ‌های خیابانها و پارکها، تخریب باجه‌های تلفن و شکستن شیشه‌های آن و بریدن سیم گوشی تلفن، شکستن درختان پارکها و از بین بردن چمن آنها، تخریب لوازم تفریحی پارک و اموال اماکن عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوسهای شهری، شعارنویسی روی در و دیوار (به‌ویژه در مدارس)، از بین بردن مراتع و فضای سبز اطراف و ... نمود پیدا می‌کند. وندالها در این مناطق عمدتاً نوجوانان و جوانان پسر هستند. غالب وندالها مجرد و از نظر تحصیلی ناموفق‌اند، اغلب آنها با سرخوردگیها، شکستها و ناکامیهای مختلفی در زمینه‌های تحصیلی، شغلی، مالی، اجتماعی و خانوادگی مواجه بوده‌اند.

به‌طور کلی، همان‌طور که صدیق سروستانی (۱۳۷۶) بیان می‌کند، حاشیه‌نشین به دو نظام فرهنگی (روستایی و شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک، کاملاً تعلق و

تمایل ندارد. در حاشیه بودن، به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیبهای اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود.

#### ۳-۲-۸) مشکلات زندگی حاشیه‌نشینی

زندگی حاشیه‌ای از یک سو می‌تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه‌ای و در حاشیه ماندن، مسائل و مشکلات عدیده‌ای برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است.

مهم‌ترین مشکلات زندگی خانوادگی در محلات حاشیه‌نشین همدان، عبارت‌اند از بی‌کاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار؛ مشکل مالی و کمبود درآمد؛ نداشتن خانه و مسکن مناسب؛ محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات؛ عدم رسیدگی شهرداری؛ کمبود امکانات رفاهی- تفریحی برای فرزندان؛ انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد، نبود امنیت (به‌ویژه برای دختران) و ... .

همچنین در بیان مهم‌ترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه‌نشین به مواردی نظیر آسفالت نبودن کوچه‌ها؛ کمبود بهداشت و سرپوش نبودن رودخانه و فاضلابهای محله؛ کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و آموزشی؛ عدم رسیدگی شهرداری به این محلات؛ نداشتن آب لوله‌کشی؛ فقر و بیکاری؛ نبود امنیت و وجود انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، شلوغی محله‌ها و تراکم جمعیتی زیاد؛ بافت روستایی و چند قومی و فرهنگی بودن محله و ... اشاره نموده‌اند.

#### ۴) نتیجه‌گیری

پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار است که ساکنان آن معمولاً مهاجران روستایی یا قشرهای کم درآمد شهری هستند که به مشاغل کاذب و حاشیه‌ای می‌پردازند. حاشیه‌نشینی فضایی، مولود حاشیه‌نشینی اقتصادی- اجتماعی آن بخش از جمعیت است



که ساکن این محله‌ها می‌باشند. آنها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچ وجه راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بیکاری حاشیه‌نشینان بیشتر در معرض آسیبهای اجتماعی‌اند، آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته‌ها و نیازهای ساکنان این مناطق، به‌عنوان شهروند توجه نمایند. زیرا، فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آنها از یک‌سو و دیدن زندگی شهرنشینانی که از امکانات زندگی امروزی بهره‌مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این بخش از قشرهای جامعه می‌شود و این امر گاه می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوبهای اجتماعی عمل کند. زیرا تداوم فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت‌های جنایت‌آمیز را افزایش می‌دهد.

## ۵) راه‌حلا و ضرورتها

حاشیه‌نشینی عنصر انکارناپذیر همه شهرهای بزرگ و مدرن جهان است؛ هرچند کمیت و کیفیت آن در جوامع مختلف متغیر است. در برخورد با این پدیده همانند سایر پدیده‌های اجتماعی باید از یکجانبه‌نگری پرهیز کرده بر تلاش جدی به قصد چاره‌اندیشی علمی و درک مسائل اجتماعی آن اهتمام ورزید و به نکات زیر توجه کرد:

- در ایران، برخلاف شهرهای غربی، حاشیه‌نشینان معمولاً در مناطق پیرامونی و فقیرنشین شهر استقرار می‌یابند و عاملی برای توسعه فرهنگ فقر می‌شوند؛ یعنی علاوه بر فاصله اجتماعی، اغلب فاصله فیزیکی نیز وجود دارد.
- براساس یافته‌های تحقیقات پیشین (پیران، ۱۳۸۱، ۱۳۸۰، ۱۳۷۴، ۱۳۷۳، ۱۳۶۸، ۱۳۶۷) و این بررسی، حاشیه‌نشینان در عین حال که در میان خود از همبستگی اجتماعی ضعیفی برخوردارند، در مقابل نسبت به تهدیداتی علیه منافعشان به‌صورت نیروی واحد و بسیار همبسته درمی‌آیند و از تنها موجودیت خود، یعنی زندگی حاشیه‌نشینی، با تمام قوا دفاع می‌کنند.
- حاشیه‌نشینان دولت را که نماد مدیریت جامعه است به‌ویژه شهرداریها را، مسئول اصلی وضع خود می‌دانند. آنان نقاط ضعف خود را نادیده می‌گیرند و به همین دلیل در

- برخورد با مأموران دولتی، هر چند که خود می‌دانند آنها نقشی در ایجاد این نابسامانیها ندارند، برخورد خصمانه‌ای از خود بروز می‌دهند و در اغلب موارد، حتی حاضر به قبول راه‌حلهای منطقی ارائه شده از طرف آنان نیز نیستند.
- به دلیل عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری، روحیه تضاد و مبارزه منفی به سهولت در بین حاشیه‌نشینان شهری شکل می‌گیرد و این احساس در بین نسل دوم، یعنی فرزندان که در شرایط حاشیه‌نشینی متولد و بزرگ شده‌اند، به مراتب بیش از پدران و مادران آنها بروز می‌کند. به همین دلیل، گذشت زمان در این موارد نه تنها چاره‌ساز نیست بلکه بر پیچیدگی آن نیز می‌افزاید.
  - حل مشکل حاشیه‌نشینان در شناخت ابعاد مختلف مسائل آنها و بهره‌گیری از مشارکتشان در پیدا کردن راه‌حلهای اجتماعی نهفته است.
  - تحقق استراتژی توسعه پایدار درونزای شهری، که آن هم مستلزم این است که به هنگام تدوین طرحهای شهری به چند مسئله توجه کنیم:
    ۱. مشارکت اکثر مردم در تصمیم‌گیری درباره توسعه شهری و توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شهر؛
    ۲. شناسایی نیازهای محله‌های شهر و اینکه کدام محله نیاز بیشتری دارد؛
    ۳. توجه بیشتر به طرحهای کوچک محله‌ای و ناحیه‌ای در داخل شهرهای بزرگ؛
    ۴. ایجاد شوراهای محلی در داخل محلات شهری و توجه بیشتر به گروههای کم‌درآمد مخروبه‌های شهر به منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی. (پوراحمد و شمعی، ۱۳۸۰: ۸)
  - از این رو، راه‌حل اساسی حاشیه‌نشینی، در توسعه متوازن و پایدار درونزای شهری، تأمین امنیت و عدالت اجتماعی، کاهش نابرابریهای اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور خواهد بود.
  - در شهرها بخصوص شهرهای بزرگ، مسئولان محلی و ملی چه عملکردی می‌توانند در برابر انفجار جمعیت و مهاجرت حاصل از آن داشته باشند؟ چگونه خود را با آن تطبیق دهند؟ بحران اخیر زیست‌محیطی تهران یکی از نشانه‌های رشد لجام‌گسیخته شهری و ضرورت توجه به توسعه متناسب و اجرای نظریه عدم تمرکز و آمایش سرزمین در برخورد با رشد

بی‌قواره شهری در ایران است. به‌طور خلاصه سه نوع روش فراروی مدیران و برنامه‌ریزان شهری در ایران برای دستیابی به توسعه متوازن شهری قرار دارد:

۱. تصور راندن مهاجران از شهر یا کوشش در این جهت. این تاکتیک را برخی محققان تاکتیک ورود ممنوع خوانده‌اند. در ایران بعد از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری، چنین سیاستی اعمال شد اما مؤثر نیفتاد!
۲. نادیده گرفتن حاشیه‌نشینی و تصور اینکه انگار چیزی اتفاق نیفتاده است و انتظار داشت که موضوع خود به خود حل شود.
۳. قبول واقعیت حاشیه‌نشینی از جانب مسئولان و سپس کنترل و هدایت آن در چارچوب طرح‌های توسعه شهری، به گونه‌ای که از جمعیت جدیدی که به شهرها سرازیر می‌شوند برای توسعه و ازدیاد ثروت ملی استفاده کنند. در این باره جمعیت مهاجر جدید در روند شهرنشینی و توسعه شهرها به خدمت گرفته می‌شوند و از این اضافه جمعیت در جهت رفاه و آسودگی استفاده به عمل آمده است.

راه حل اول مردود است زیرا در طی زمان و در کشورهای گوناگون، آزمون خود را پس داده است.

راه حل دوم، ندیدن واقعیت است، وانمود کردن اینکه مهاجرت و حاشیه‌نشینی انجام نمی‌شود، متأسفانه عمومی‌ترین شیوه موجود است. نتیجه این امر، گسترش تپه‌ها و زاغه‌هایی است که اطراف شهرهای کشورهای عقب‌مانده با آنها مواجه‌ایم. بنا بر شرایط رو به توسعه، رشد شهر و حاشیه توأمان اتفاق می‌افتد و هنگامی که از وضع عادی خارج می‌شود، آنگاه مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد.

راه حل سوم، به رسمیت شناختن مسئله، پذیرش آن و تلاش جدی برای پیشگیری و ساماندهی مسئله است. در قالب این راه‌حل، مهندسی اجتماعی، توانمندسازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درونزای شهری مورد توجه قرار می‌گیرد.

- آقابخشی، حبیب ا... و دیگران. (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینان و اسکان غیررسمی، (مجموعه مقالات)، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ازکیا، مصطفی. غلامرضا، غفاری. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- پوراحمد، احمد. علی، شماعتی. (۱۳۸۰)، توسعه فیزیکی شهر یزد و تأثیر آن بر ساختار جمعیت بافت قدیم شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۲۲-۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۷ و ۱۳۶۸)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن ناپه‌نجان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۲ الی ۲۴.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۳)، آلودگی‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۸۸-۸۷.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۴)، آلودگی‌نشینی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۹۱-۹۶.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰)، تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران، اسکان غیررسمی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰)، اجتماعات آلودگی، پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه‌نشینی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۳۲.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، جنبشهای اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران، ماهنامه آفتاب، شماره‌های ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۵.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی شهری، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۳)، مدیریت توسعه و نهادهای مدنی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره ۲.
- جمشیدیها، غلامرضا. عنبری، موسی. (۱۳۸۳)، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
- جواهری‌پور، مهرداد. (۱۳۸۲)، ساختاری اقتصادی اجتماعی اسکان غیررسمی (مطالعه موردی در منطقه کلان شهری تهران)، در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهر (عبدالحسین نیک‌گهر)، تهران: انتشارات آگه.
- صدیق سروستانی، رحمت ا... . (۱۳۷۶)، حاشیه‌نشینی و امنیت، در مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، وزارت کشور.

- طالقانی، محمود. (۱۳۶۹)، مطالعه جامعه‌شناسی شهر تهران، جلد اول مسکن، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هادیزاده، مریم. (۱۳۸۳)، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد: شهرداری مشهد.
- نقدی، اسدا... (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر، همدان: انتشارات فن‌آوران.

